

«سینمای حسینی»

یا «حسین سینمایی»؟؟؟

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين و لعنة الله
على اعدائهم اجمعين

«رستاخیز» چه می‌کند، نمایش چهره معصومین یا نمایش چهره‌ای دیگر از
معصومین؟

سینما، وسیله‌ای برای اشاعه فرهنگ است، رسانه‌ای که نمایش و آموزش
می‌دهد، به جهت‌گیری‌ها سمت و سو می‌بخشد و اندیشه را «می‌سازد». اما
به راستی، استفاده از سینما برای ترویج «حق‌گویی» «حق‌جویی» و
«حق‌طلبی» تا چه حد نتیجه‌بخش بوده است؟ این نتیجه، چه قدر پایداری
داشته است؟ آیا حقیقتاً «آن‌چه را هدف تصور می‌شود» محقق می‌سازد؟
ساخته‌ها را، سابقه‌ها را بررسی کنید، اثرات آن را بررسی کنید، آیا به حق
«سینما»، بستر حق‌جویی، حق‌گویی و حق‌طلبی است؟ «چه بسیارند
عبرت‌ها و چه کم‌اند عبرت‌پذیران».

آیا اشاعه «حق» متوقف بر گسترده شدن آن در بستر سینما است؟ آیا
قریب به ۱۴ قرن، قیام سیدالشهداء علیه السلام، راکد بود و نورش چنان
درخشنده نبود تا هدایت‌گر باشد، تا اینکه کسی پیدا شد که حرفی دیگر
داشت؟؟؟ و حالا «حق» از رکود خارج شده و به دنیا صادر خواهد شد و
«هدایت» را به رخ بسیاری خواهد کشید؟ اصلاً چه چیزی قرار است در
«سینما» تحت عنوان «هدایت» اشاعه یابد؟ کدام‌یک قرار است «حقیقت و
واقعیت» تلقی شود، قیام حسین یا حکومت‌طلبی او؟ این کدامین «جهاد
در راه حق» است که برپایی‌اش مستلزم «محاربه با حق» بود؟

یعنی عوامل رستاخیز، نمی‌دانند بیننده، آنچه را در این فیلم می‌بینند،
«حقیقت و واقعیت» تلقی می‌کند؟ «هدف رستاخیز، ارائه و اشاعه تصویر
حقیقی و واقعی قیام نیست، هدف تحریف قیام است» که اگر «رستاخیز»
و تدوین‌گرانش در پی نیکویی روان بودند، آن‌چنان حماسه عظیم یگانه‌ای را
این‌چنین زمینی جلوه نمی‌دادند و برداشت‌های شخصی و خوشامدهای نفس
خود را در قالب عاشورا به خورد مخاطب نمی‌دادند تا شایسته «تقدیر» و
«لقب فیلم‌سازان عاشورایی» باشند.

این همه، پرده برداری از چهره‌ها، نه، بلکه بهره‌برداری از چهره‌ها است.

می‌گویند اعتراض نکنید مبدا تاریخ تشیع از سینما بی‌بهره بماند!!! فیلم ساختن برای دین، سینمای دینی نمی‌سازد، «دین سینمایی» می‌سازد و بسیار فرق است میان این دو... چنانچه فیلم ساختن برای «حسین»، سینما و جشنواره حسینی نساخت بلکه «حسین جشنواره‌ای» «حسین سینمایی» ساخت. اصلاً از اول باید همین کار را می‌کردند، سینما حسینی نمی‌شود، پس حسین باید به سینما برده شود، این تنها راه است که او نیز در برابر سینما کوتاه بیاید و قوانین آن را بپذیرد، این تنها راه است که «حسین هم سینمایی» شود. و این است راز این «خلوص» و «ایمان».

می‌گویند ۱۰ سال زمان صرف شده، انصاف نیست برخورد صورت بگیرد، خوب بود فیلم دختر پسری می‌ساخت؟ راستی، چه خوب شد، نظربازی نامحرمان (همان دختر پسری) را زیر پرچم امام حسین علیه السلام به تصویر کشیدند «مایه افتخار...» «فیلم فاخر»، هدف آشکار شد؟ یا باز هم بگویم؟ نه من دیگر نمی‌گویم، شما پاسخ دهید این ندای «سیاه» را " گران‌ترین فیلم جشنواره، منطقی نیست که از اکران عمومی محروم شود "

• از یاد نبریم سخنان «مایکل برانت» را که هدف قرار دادن نهضت حسینی و پوچ نمودن باور شیعیان نسبت به این قیام عظیم را تنها راه حل نابود ساختن شیعیان اعلام کرد.

آیا این عرصه چنان مهم نیست که «اساس‌نامه» داشته باشد؟ جایی که حتی رنگ‌ها، اصالت نیک و بد دارند، چه جای توهّم سرایی درباره کیفیت وقوع وقایع؟ وقتی لباس شمر باید سیاه باشد و لباس امام باید مخالف آن «به رنگ سفید» نمایش داده شود، کجا مجال تخیل هست؟ چنین جرأتی از کجا آمده؟ چقدر به بی‌اهمیت‌ها پرداخته شده تا چنین مهمی، این‌گونه در میان ما، سینه‌چاکان عزیز فاطمه سلام الله علیهما، مغفول واقع شود؟ آیا جز بی‌تفاوتی و بیان نکردن محدوده‌ها، دلیل دیگری دارد؟

آخر کجا یک معمار در کار یک پزشک دخالت می‌کند؟ کجا یک پزشک در کار یک معمار حقّ دخالت دارد؟ معماری و طبابت مهم‌تر است یا سعادت و شقاوت جاودانه؟ یگانگانی را که تمام «ملکوتی» هستند در قالب انسان‌های خاکی نمایش می‌دهند و کار خود را موجه «جلوه می‌دهند» به بهانه این‌که «آنان معصوم نبودند». ولی چه کسی «عصمت آل‌الله» را تعیین می‌کند؟ یک پزشک؟ شاید هم یک معمار؟ البته توهّم و تصوّر آقایان ارجحیت دارد، شاید هم علمی که «از کجا و ناکجا» سخت‌کوشانه، کسب

کرده‌اند!!! این جسارت از کجا آمد که مشتی غریبه با این «عناوین»، اظهارنظر کنند؟ و پیش بیایند و فیلم بسازند؟ و مطرح شوند و جایزه بگیرند؟

بماند که نمایش چهره حضرات «معصومین» تنها یک بند از این قصیده است، ولی حساسیت برانگیز است و چنانچه آشکار شود چنین «مهمّ مسلّمی» در رستاخیز انکار شده است، فاتحه سایر بندهای این قصیده خوانده می‌شود «اگر خدا بخواهد»

عصمت علیّ بن الحسین الاکبر صلوات الله علیهما

• اشبه النَّاس خواندن علی اکبر علیه السّلام در آفرینش، رفتار و گفتار به رسول الله صلی الله علیه و آله، قرائت آیه «انّ الله اصطفی...» و نیز «ذریّة بعضها من بعض...» درباره این وجود نورانی، هر کدام به تنهایی برای به اثبات رساندن مقام رفیع و عظیم «عصمت» فرزند گرامی سیّدالشّهداء علیه السّلام، کافیست. (امالی شیخ صدوق: ص ۱۶۲، روضة الواعظین سیّد فتال: ص ۱۶۱، لهوف سیّد ابن طاووس: ص ۱۱۲، مقاتل الطّالبيين ابوالفرج: ص ۷۶. الفتوح ابن اعثم: ج ۵ ص ۲۰۷، مقتل الحسین علیه السّلام خوارزمی: ج ۲ ص ۳۰، تسلیة المطالب محمّد بن ابی طالب: ج ۲ ص ۳۱۰، شرح الشّافیة ابن امیرالحاج: ص ۳۶۵).

• حضرت علی اکبر علیه السّلام «صدّیق» است یعنی صاحب «مقام عصمت» است، همچنین در شمار «اهل البيت الذّین اذهب الله عنهم الرّجس و طهرهم تطهیراً» است و این دو نیز هر کدام برای اثبات «مقام شریف و ویژه عصمت» برای ایشان کافیست. (السّلام عليك أيها الصّدّيق ... و جعلك من اهل البيت الذّین اذهب الله عنهم الرّجس و طهرهم تطهیراً مصباح الزّائر سیّد علی ابن طاووس: ص ۲۳۵، المزار شهید اوّل: ص ۱۴۵ زیارة اوّل يوم من رجب)

• حضرت علی اکبر علیه السّلام، اولی بالله و برسوله هستند که به معنای غایت قرابت و اهلّیت ایشان نسبت به خدا و پیامبر خدا است. همچنین «امین الله» هستند که دلالتی بسیار محکم بر مقام ولایة اللهی (تکوینی و تشریعی) است و این دو نیز هریک کافیست برای اثبات مقصود. (أشهد أنّك أولى بالله و برسوله، و أنّك ابن رسوله، و حجّته و دینه و ابن حجّته و أمینه اقبال الأعمال: ج ۳ ص ۷۳. ر.ک: المزار الكبير: ص ۴۸۷ ب ۸ زیارة الشّهداء رضوان الله علیهم فی يوم عاشوراء)

• با توجه به متن صریح چندین زیارت صادره از معصومین علیهم الصّلاة و السّلام، حضرت علی اکبر علیه السّلام مقام شامخ «ولّی الله» را داراست چنانچه اباعبدالله علیه السّلام «ولّی الله» هستند و این مقامی رفیع و عظیم برای این وجود ملکوتی و دلالتی بسیار محکم بر مقام ولایة اللّهی (تکوینی و تشریعی) ایشان است. (السّلام عليك يا ولّی الله و ابن ولیه مصباح المتّهجد: ج ۲ ص ۷۲۲ دعاء الموقف لعلّی بن الحسین علیه السّلام، المزار الكبير ابن المشهدی: ص ۴۳ ب ۳ زیارة صفوان، و ص ۴۶ زیارة يوم عرفة، اقبال الأعمال: ج ۲ ص ۶۵ فصل ۱۸ زیارة يوم عرفة و ج ۳ ص ۳۴۱ فصل ۵۳ زیارة نصف من شعبان، المزار شهید اول: ص ۱۲۸ الفصل الرّابع و ص ۱۷۵ زیارة يوم عرفة، البلد الأمين: ص ۲۹۰ ذوالحجّة، المصباح کفعمی (جّة الأمان الواقیة): ص ۵۰۳ زیارة ليلة عرفة و يومها و زیارة ليلة الأضحی و یومه)

عصمت عبّاس بن علی صلوات الله علیهما

• مقام شامخ «صدّیق» درخور شأن و عظمت عبّاس علیه السّلام است و این مقام صاحب «عصمت» است. (السّلام عليك أيها الولی الصّالح النّاصح الصّدّیق المزار الكبير ابن المشهدی: ص ۴۳۳ ب ۳، بحار الأنوار: ج ۹۸ ص ۲۶۱ ب ۱۸)

• حضرت عبّاس علیه السّلام در شمار «اهل البيت» چنانچه حضرت علی اکبر و قاسم هستند و این نیز مقام عصمت است (مراجعه کنید به دلیل اول عصمت قاسم بن الحسن صلوات الله علیهما).

• حضرت عبّاس علیه السّلام در شمار «نجباء» و «سابقون» هستند چنانچه حضرت علی اکبر، قاسم و شیرخوار امام حسین صلوات الله علیهم در این شمار هستند و این مقام والای عصمت است. (مراجعه کنید به دلیل دوم عصمت قاسم بن الحسن صلوات الله علیهما)

عصمت قاسم بن الحسن صلوات الله علیهما

• حضرت قاسم بن الحسن علیه السّلام، در شمار «اهل بیت» جای دارند چنانچه حضرت علی اکبر، عبّاس بن امیرالمؤمنین و شماری دیگر از شهدای سادات علیهم صلوات الله در این جرگه هستند و این مقام عصمت است (در زیارت نیمه شعبان، پس از سلام به شماری از شهدای از سادات که علیّ بن الحسین (علی اکبر) علیهما السّلام، عبّاس بن علی علیهما السّلام و قاسم بن الحسن علیهما السّلام نیز در شمار ایشان هستند، آمده است: السّلام علیکم اهل بیت المصطفی اقبال الأعمال: ج ۳ ص ۳۴۴ فصل ۵۳، همچنین در

زیارت ناحیه مقدسه پس از سلام به قاسم بن الحسن علیهما السّلام و چند تن دیگر از سادات شهدا آمده است: فهنیئاً لکم یا اهل بیت الرّحمة... یا ساداتی یا اهل البیت... مصباح الزّائر سیّد بن طاووس: ص ۲۳۹).

• حضرت قاسم بن الحسن علیه السّلام، در شمار «نجباء» و «سابقون» هستند چنانچه علیّ بن الحسین (علی اکبر) علیهما السّلام، شیرخواره امام حسین علیهما السّلام و عبّاس بن علی علیهما السّلام در این جرگه هستند و هریک از اینها برای اثبات مقام عصمت ایشان کافیست. (المزار شهید اوّل: ص ۱۵۰: پس از سلام به شماری از شهدای از سادات که علیّ بن الحسین (علی اکبر) علیهما السّلام، شیرخواره امام حسین علیهما السّلام، عبّاس بن علی علیهما السّلام و قاسم بن الحسن علیهما السّلام نیز در شمار ایشان هستند، آمده است:... أشهد أنّکم النّجباء و سادة الشّهداء فی الدّنيا و الآخرة... و أنتم السّابقون و المجاهدون. اقبال الأعمال: ج ۳ ص ۳۴۴ فصل ۵۳: در زیارت نیمه شعبان، پس از سلام به برخی از شهدای سادات که علیّ بن الحسین (علی اکبر) علیهما السّلام، عبّاس بن علی علیهما السّلام و قاسم بن الحسن علیهما السّلام نیز در شمار ایشان هستند، آمده است: انتم السّابقون و المجاهدون)

عصمت شهدای از اهل بیت صلوات الله علیهم

بنابر فرمایش مولانا امیرالمؤمنین و امام رضا صلوات الله علیهما، شهدای از بنی هاشم (سادات) در کربلا، هیچیک در زیر آسمان و بر روی زمین، «مثل و مانند» نداشتند، ندارند و نخواهند داشت. (یا ابن شیببٍ إنّ کنت باکیاً لشیءٍ فابک للّحسین بن علی بن أبی طالبٍ علیهم السّلام فإنّه ذبح کما یذبح الکبش و قتل معه من أهل بیته ثمانية عشر رجلاً ما لهم فی الأرض شبیهون امالی شیخ صدوق: ص ۱۳۰ المجلس السابع العشرون، عیون اخبار الرّضا علیه السّلام: ج ۱ ص ۲۹۹ ب ۲۸ ح ۵۸، اقبال الأعمال: ج ۳ ص ۲۹ فصل ۲. و أنت یا حسین... سیقتل معک سبعة عشر من أهل بیتک تحت أديم السماء ما لهم شبیهون الدّر النّظیم: ص ۳۷۸)

دلایل عصمت یاران امام حسین علیهم السّلام

• تمامی شهدای کربلا، آنان که در رکاب مولانا اباعبدالله الحسین علیه السّلام، به فیض عظمای «شهادت» دست یافتند، «اصفیاء الله» هستند یعنی حائز مقام ویژه‌ای از «یگانگان برگزیده» هستند این مقام معصوم است. (السّلام علیکم یا اصفیاء الله و أوّاءه مصباح المتّهجد: ج ۲ ص ۷۲۲ دعاء الموقف...، المزار الکبیر ابن المشهدی: ص ۶۶۴ زیارة ابی عبدالله علیه

السّلام فى يوم عرفه، اقبال الاعمال: ج ٢ ص ٦٥ فصل ١٨ الزّيارة المختصّة بالحسين عليه السّلام يوم عرفة، المزار شهيد اول: ص ١٢٨ الفصل الرّابع و ص ١٧٦ و منها زيارة يوم عرفة، البلد الأمسن: ص ٢٩٠ ذوالحجّة، المصباح كفعمى: ص ٥٠٣ زيارة ليلة عرفة و يومها و زيارة ليلة الأضحى و يومه للحسين عليه السّلام)

• در زیارت شب قدر و عیدین و نیز زیارت هر روز و شب، شهدای شریف و عظیم الشّان را «صدّیقون» می خوانیم و چنانچه گذشت دلالت بر عصمت ایشان است (السّلام علیکم أيها الصّدّیقون المقنعة: ص ٤٧٠ ب ١٥، المزار الكبير ابن المشهدى: ص ٤١٦ الزّيارة الاولى للحسين عليه السّلام فى ليلة القدر و العیدین، المزار شهيد اول: ص ١٦٩ و منها زيارة القدر و العیدین، المزار الكبير: ص ٥١٨ ب ١١ زيارة اخرى له عليه السّلام مختصرة يزار بها فى كلّ يوم و فى كلّ شهر)

• مقام «خيرة الله» و «خاصّة الله» نیز زیبنده وجود بى مثال شهدای کربلا صلوات الله علیهم است که جز خودشان، هیچکس بر جایگاه ایشان ننشینند. (أنتم خاصّة الله اختصّکم الله لأبى عبد الله کامل الزّيارات: ص ٢٤٢. أنتم خيرة الله اختارکم الله لأبى عبد الله عليه السّلام و أنتم خاصّته اختصّکم الله اقبال الأعمال: ج ٣ ص ٣٤٦ فصل ٥٣)

درباره مقام شامخ «خاصّة الله» می توانید به بصائر الدّرجات: ج ١ ص ٤٤٦ ب ١٤ ح ١ و کافی: ج ١ ص ٢٧١-٢٧٢ باب فيه ذكر الأرواح التى فى الأئمة عليهم السّلام ح ١ مراجعه کنید که «خاصّة الله» را مؤیّد به «روح القدس» اعلام می کند و این همان مقام ویژه عصمت است.

• شهدای کربلا صلوات الله علیهم «سابقون» هستند (أنتم السّابقون کامل الزّيارات: ص ٢٠٤، الکافی: ج ٤ ص ٥٧٤ باب زيارة قبر ابى عبد الله الحسين بن على عليهما السّلام) و امام صادق عليه السّلام، «سابقون» را صاحبان عصمت ویژه اعلام می دارند (رجوع کنید به بصائر الدّرجات: ج ١ ص ٤٤٦ ب ١٤ ح ١ و کافی: ج ١ ص ٢٧١-٢٧٢ باب فيه ذكر الأرواح التى فى الأئمة عليهم السّلام ح ١)

عظمت و یگانگی فرد فرد شهدای کربلا

درباره مقام شریف این بزرگواران که نه واژه بلکه تمام ذهن و تصوّر بشر از عظمت جایگاهشان «تهی» است همین بس که امام معصوم آنان را مخاطب ساخته و می فرماید: «یالیتنى كنت معکم فافوز فوزاً عظيماً». و

کجا در این اندک، مجال ذکر ادله است؟ این تنها احتجاج و اتمام حجت است باشد تا خداوند نور هدایت را بر قلب‌های تک تک ما بتاباند

و این مقامی است که نمی توان از بیرون، عظمت و چیستی آن را جست: امام صادق علیه السلام فرمودند: امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام... وقتی به محلّ شهادت شهدای کربلاء رسیدند... در حالی که روی قاطر بودند و پای مبارک از رکاب بیرون آورده بودند، آن مکان را طواف کرده و در حین طواف می فرمودند: مناخ رکاب و مصارع شهداء لایسبقهم من کان قبلهم و لایلحقهم من کان بعدهم یعنی محلّ خواباندن مرکب‌هایی و محلّ شهادت شهدایی که پیشینیان بر آنها پیشی نگرفتند و آیندگان نیز هرگز به ایشان نخواهند پیوست. (التّهذیب: ج ۶ ص ۷۲ ب ۲۲ ح ۷، الخرائج والجرائح: ج ۱ ص ۱۸۳ ب ۲، الوسائل: ج ۱۴ ص ۵۱۶ ب ۶۸ ح ۱۹۷۲۴).

سخن آخر

گسترش و پذیرش حق هرگز متوقّف بر فیلم و سینما نبوده و نیست... «حق» باقیست و «باطل» ناپایدار و نابودشدنی، «معرفت» نیز نوریست که پروردگار یکتا بر قلب مخلوقات مستولی می سازد، قرآن کریم بارها به بیان اشاعه حق و پایداری آن توسط پروردگار یگانه پرداخته است، این وعده باری تعالی است، محقّق و تحقّق یافتنی، بدون تکیه بر بازیگرانی که «نقش بازی» می کنند، روی صحنه حاضر و پشت صحنه غایب‌اند، بدون تکیه بر کوبش ضرب‌ها، زرق و برق‌ها، رنگ و وارنگ‌ها.

بیدار باشید که «روز رستاخیز»، «خون» پاک و «عزیز» حسین را دست‌مایه دنیاطلبی گروهی قرار داد که نزد پدرش، دنیایشان «مردار» و خواهان آن «سگان» هستند.

قصد قربت داشتن برای کسانی که حسین را کشتند کافی بود: «کلّ یتقرّب الی الله بدمه»

امروز، حسین عزیز تنهاست، دریابید ندای «هل من ناصر» او را «شیعیان حسین».

منابع

ابن مشهدی، محمد بن جعفر، المزار الکبیر (لابن المشهدی)، اجلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۹ ق.

ابن طاووس، على بن موسى، الإقبال بالأعمال الحسنة فيما يعمل مرة في السنة (ط - الحديثة)، ٣جلد، دفتر تبليغات اسلامى - قم، چاپ: اول، ١٣٧٦ش.

شهيد اول، محمد بن مكى، المزار فى كيفية زيارات النبى و الأئمة عليهم السلام، (للشهيد الأول)، اجدل، مدرسه امام مهدى عليه السلام - قم، چاپ: اول، ١٤١٠ق.

طوسى، محمد بن الحسن، مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، اجدل، مؤسسة فقه الشيعة - بيروت، چاپ: اول، ١٤١١ق.

مفيد، محمد بن محمد، المقنعة، اجدل، كنگره جهانى هزاره شيخ مفيد - رحمة الله عليه - قم، چاپ: اول، ١٤١٣ق.

ابن قولويه، جعفر بن محمد، كامل الزيارات، اجدل، دار المرتضوية - نجف اشرف، چاپ: اول، ١٣٥٦ش.

صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فى فضائل آل محمد صلى الله عليهم، اجدل، مكتبة آية الله المرعشى النجفى - ايران ؛ قم، چاپ: دوم، ١٤٠٤ق.

كلينى، محمد بن يعقوب بن اسحاق، الكافى (ط - الإسلامية) ٨جلد، دارالكتب الإسلامية - تهران، چاپ چهارم، ١٤٠٧ق.

ابن بابويه، محمد بن على، الأمالى (للصدوق)، اجدل، كتابچى - تهران، چاپ: ششم، ١٣٧٦ش.

ابن بابويه، محمد بن على، عيون أخبار الرضا عليه السلام، ٢جلد، نشر جهان - تهران، چاپ: اول، ١٣٧٨ق.

شامى، يوسف بن حاتم، الدر النظيم فى مناقب الأئمة اللهايم، اجدل، جامعه مدرسين - قم، چاپ: اول، ١٤٢٠ق.

شهيد اول، محمد بن مكى، المزار فى كيفية زيارات النبى و الأئمة عليهم السلام، (للشهيد الأول)، اجدل، مدرسه امام مهدى عليه السلام - قم، چاپ: اول، ١٤١٠ق.

مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى، بحار الأنوارالجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط - بيروت)، ١١جلد، دار إحياء التراث العربى - بيروت، چاپ: دوم، ١٤٠٣ق.

قطب الدين راوندى، سعيد بن هبة الله، الخرائج و الجرائج، ٣جلد، مؤسسه امام مهدى عجل الله تعالى فرجه الشريف - قم، چاپ: اول، ١٤٠٩ق.

سَيِّد على بن موسى بن جعفر اللّهُوف على قتلى الطّفوف، ابن طاووس (م ٦٧٧)، انتشارات جهان - طهران.

على بن الحسين بن محمّد مقاتل الطّالبيّين، أبو الفرج الإصفهاني (م ٣٥٦)، مطبعة الحيدريّة - النّجف ١٣٨٥ هـ ق.

أبو المؤيّد الموقّق بن أحمد مقتل الحسين عليه السّلام، الخوارزمي (م ٥٦٨) تحقيق و تعليق الشّيخ محمّد السّماويّ، مكتبة المفيد - قم.

أحمد بن أعثم الفتوح: ابن أعثم الكوفيّ (م ٣١٤) دائرة المعارف العثمانية حيدرآباد الهند، ط ١٣٩١ ق.

أبو جعفر محمّد بن أمير الحاجّ الحسينيّ شرح شافية أبي فراس: ابن أمير الحاجّ (م ق ١٢) تحقيق صفاء الدّين البصريّ، مؤسسة الطّباعة و النّشر وزارة الثّقافة و الإرشاد الإسلاميّ - طهران، ط ١٤١٦ هـ ق.

محمّد بن أبي طالب، تسليّة المجالس و زينة المجالس الحسيني موسى الحائري (م ق ١٠)، تحقيق فارس حسّون كريم، مؤسسة المعارف الإسلاميّة، ط ١ (١٤١٨ هـ ق)